

# مفاوضات - بيان اين جمله از كتاب اقدس " ليس لمطلع الأمر شريك في العصمة الكبرى "

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



بيان اين جمله از كتاب اقدس " ليس لمطلع الامر شريك في  
العصمة الكبرى " - مفاوضات - اثر حضرت عبدالبهاء - بر  
اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

سؤال

در آيه مبارکه ميفرمايد " لَيْسَ لِمَطَّلِعِ الْأَمْرِ شَرِيكَ فِي الْعِصْمَةِ الْكُبْرَى إِنَّهُ لَمُظْهَرٌ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ فِي  
مَلَكُوتِ الْإِنشَاءِ قَدْ خَصَّ اللَّهُ هَذَا الْمَقَامَ لِنَفْسِهِ وَ مَا قَدَّرَ لِأَحَدٍ نَصِيباً مِنْ هَذَا الشَّأْنِ الْمُنِيعِ "

جواب

بدانکه عصمت بر دو قسم است عصمت ذاتیه و عصمت صفاتیّه و همچنين سائر اسماء و صفات مثل علم ذاتی و علم صفاتی . عصمت ذاتیه مختص بمظهر کلی است زیرا عصمت لزوم ذاتی اوست و لزوم ذاتی از شیء انفکاک نجوید . شعاع لزوم ذاتی شمس است و انفکاک از شمس نکند ، علم لزوم ذاتی حق



ORIGINAL



AUDIO

است از حق انفکاک ننماید ، قدرت لزوم ذاتی حق است از حق انفکاک نکند اگر قابل انفکاک باشد حق نیست اگر شعاع از آفتاب انفکاک کند آفتاب نیست لهذا اگر تصور انفکاک در عصمت کبری از مظاهر کلیه گردد آن مظهر کلی نیست و از کمال ذاتی ساقط . اما عصمت صفاتی لزوم ذاتی شیء نه بلکه پرتو موهبت عصمت است که از شمس حقیقت بر قلوب بتابد و آن نفوس را نصیب و بهره بخشد این نفوس هر چند عصمت ذاتی ندارند ولی در تحت حفظ و حمایت و عصمت حقد یعنی حق آنانرا حفظ از خطا فرماید . مثلاً بسیاری از نفوس مقدسه مطلع عصمت کبری نبودند ولی در ظل حفظ و حمایت الهیه از خطا محفوظ و مصون بودند زیرا واسطه فیض بین حق و خالق بودند اگر حق آنانرا از خطا حفظ نفرماید خطای آنان سبب گردد که کل نفوس مؤمنه بخطا افتند و بکلی اساس دین الهی بهم خورد و این لایق و سزاوار حضرت احدیت نه . ما حصل کلام اینکه عصمت ذاتیه محصور در مظاهر کلیه و عصمت صفاتی موهوب هر نفس مقدسه مثلاً بیت العدل عمومی اگر بشرائط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود آن عدل در تحت عصمت و حمایت حق است آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل باتفاق آرا یا اکثریت در آن قراری دهد آن قرار و حکم محفوظ از خطاست حال اعضای بیت عدل را فرداً فرد عصمت ذاتی نه ولکن هیأت بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حق است این را عصمت موهوب نامند . باری میفرماید که مطلع امر مظهر یفعل ما یشاست و این مقام مختص بذات مقدس است و ما دون را نصیبی ازین کمال ذاتی نه یعنی مظاهر کلیه را چون عصمت ذاتیه محقق لهذا آنچه از ایشان صادر عین حقیقت است و مطابق واقع . آنان در ظل شریعت سابق نیستند آنچه گویند قول حق است و آنچه مجری دارند عمل صدق هیچ مؤمنی را حق اعتراض نه باید در این مقام تسلیم محض بود زیرا مظهر ظهور بحکمت بالغه قائم و شاید عقول از ادراک حکمت خفیه در بعضی امور عاجز لهذا مظهر ظهور کلی آنچه فرماید و آنچه کند محض حکمت است و مطابق واقع . و لکن اگر بعضی نفوس باسرار خفیه حکمی از احکام و یا عملی از اعمال حق پی نبرند نباید اعتراض کنند چه که مظهر کلی یفعل ما یشاست . چه بسیار واقع که از شخص عاقل کامل دانائی امری صادر و چون سائرین از ادراک حکمت آن عاجز اعتراض نمایند و استیحا ش کنند که این شخص حکیم چرا چنین گفت و یا چنین نمود این اعتراض از جهل آنان صادر و حکمت حکیم از خطا مقدس و مبرا . و همچنین طبیب حاذق در معالجه مریض یفعل ما یشاست و مریض را حق اعتراض نه آنچه طبیب گوید و آنچه مجری دارد همان صحیح است باید کل او را مظهر یفعل ما یشاست و یحکم ما یرید شمرند . البته طبیب بمعالجاتی منافی تصور سائرین پردازد حال از نفوس بی بهره از حکمت و طب اعتراض جائز است لا والله بلکه باید کل سر تسلیم نهند و آنچه طبیب حاذق گوید مجری دارند پس طبیب حاذق یفعل ما یشاست و مریضانرا نصیبی در این مقام نه باید حداقت طبیب ثابت شود چون حداقت طبیب ثابت شد

ی‌فعل ما یشاست . و همچنین سردار جنود چون در فنون حرب فرید است آنچه گوید و فرماید ی‌فعل ما یشاست و ناخدای کشتی چون در فنون بحریّه مسلم کلّ آنچه گوید و فرماید ی‌فعل ما یشاست و مربّی حقیقی چون شخص کامل است آنچه گوید و فرماید ی‌فعل ما یشاست . باری مقصد از ی‌فعل ما یشاست اینست که شاید مظهر ظهور امری فرماید و حکمی اجرا دارد و عملی فرماید و نفوس مؤمنه از ادراک حکمت آن عاجز نباید اعتراض بخاطر احدی خطوط نماید که چرا چنین فرمود و یا چنین مجری داشت اما نفوس دیگر که در ظلّ مظهر کلی هستند آنان در تحت حکم شریعة الله هستند بقدر سر موئی آنانرا تجاوز از شریعت جائز نه و باید جمیع اعمال و افعالرا تطبیق بشریعة الله کنند و اگر تجاوز نمایند عند الله مسؤول و مؤاخذ گردند البتّه آنانرا از ی‌فعل ما یشاست بهره و نصیبی نه زیرا این مقام تخصیص بمظهر کلی دارد . مثلاً حضرت مسیح روحی له الفدا مظهر ی‌فعل ما یشاست بود و لکن حواریون را نصیبی از این مقام نبود چه که در ظلّ حضرت مسیح بودند باید از امر و اراده او تجاوز نمایند و السلام .